یادداشت روز

یک خطای شناختی در تحلیل انتخابات آمریکا

امروز سوم نوامبر مصادف با دوازدهم آبان‌ماه، انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا برگزار می‌شود. آخرین تحلیل‌ها و نظرسنجی‌های انجام‌شده از سوی دانشگاه‌ها و رسانه‌هایی همچون نیویورک‌تایمز، دانشگاه سینا، رویترز، گاردین، آسوشیتدپرس و فاکس نیوز نشان می‌دهند، جمهوری‌خواهان و ترامپ باید دو سال آینده را «بدون داشتن کنگره» سر کنند. حتی ترامپ دو روز قبل از انتخابات در گفت‌وگو با «نیویورک‌پست» موضعی گرفت که به نظر می‌رسد خود را بازنده این انتخابات می‌داند. او گفت: «دو سال آینده را آقای وتو خواهم بود». او با این جمله به رأی‌دهندگان و دموکرات‌ها گفت چنانچه در این انتخابات ببازد، از ابزار وتو برای پیشبرد اهدافش استفاده خواهد کرد و کنگره (مجلس نمایندگان و سنا) هم نخواهد توانست جلوی او بایستد. نتایج قطعی انتخابات را از هم‌اکنون نمی‌توان پیش‌بینی کرد و آنچه اعلام شد، تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های حاصل از نظرسنجی‌هایی است که رسانه‌های آمریکایی منتشر کرده‌اند. در این باره گفتنی‌هایی هست:

۱- «اقتصاد» و «معیشت» در فضای اجتماعی و سیاسی این روزهای آمریکا -و حتی بسیاری از کشورهای اروپایی- پررنگ و برجسته است. دلیل آن هم واضح است. بیشتر نظرسنجی‌هایی که طی هفته‌های گذشته از سوی معتبرترین مراکز علمی و دانشگاهی انجام شده نشان می‌دهد، از جمله اصلی‌ترین دغدغه مردم آمریکا، جنگ‌افروزی علیه ایران، بسته شدن تنگه هرمز و در نتیجه سرریز شدن تبعات این دو بر سر مردم به شکل تورم و گرانی افسارگسیخته است. طبق آخرین گزارش اداره آمار کار آمریکا (BLS)، گزارش‌های CPI و PPI نفت گرمایشی، بنزین، بلیط هواپیما، حمل‌ونقل و انبارداری، بیمه مسکن و اجاره‌نشینان، پوشاک، مسکن، اجاره‌بها، کود، مواد غذایی شاهد تورم بعضاً کم‌سابقه‌ای هستند. بنابراین چنانچه جمهوری‌خواهان شکست بخورند، این ضربه کاری و تاریخی را از ناحیه «حماقت ترامپ»، «تنگه هرمز»، «اقتصاد» و در نهایت «ایران» خورده‌اند.

۲- ما تفاوتی بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در مواجهه با ایران نمی‌بینیم الا در نحوه این مواجهه. این دو به شدت تحت نفوذ لابی‌های صهیونیست هستند و تاریخ‌شان نیز مملو از جنایت و نسل‌کشی است. مگر نسل‌کشی در غزه در دوران بایدنِ دموکرات آغاز نشد؟! جنگ هولناک و خونین ویتنام را هم دموکرات‌ها شروع کردند و اگر دولت‌های قبلی آمریکا به ایران عزیز تجاوز نظامی نکردند، به دلیل این بود که جرأت نکردند و می‌دانستند چه نتایجی در انتظارشان است. وضعیت اقتصادی حاکم بر آمریکا و اروپا که هفته‌هاست به شکل شورش و راهپیمایی و... خود را نشان می‌دهد را بگذارید کنار خسارت‌هایی که در منطقه متحمل شده‌اند. صدراعظم آلمان خسارتی را که از ناحیه بسته ماندن تنگه هرمز به اروپا وارد شده است، ۱۰۰ میلیارد یورو برآورد کرده و برخی مثل «لیندا بیلمز»، استاد برجسته اقتصاد دانشگاه هاروارد نیز خسارت واردشده به آمریکا را یک تریلیون دلار برآورد کرده است! خسارت‌های واردشده به کشورهای عربی میزبان آمریکا و رژیم صهیونیستی را هم به این لیست اضافه کنید تا معلوم شود چرا حمله به ایران فقط از سوی یک «احمق» می‌توانست رخ دهد. بنابراین نباید از پیروزی دموکرات‌ها خوشحال بود و در عین حال باید از هر ضربه‌ای که به جمهوری‌خواهان -و ایضاً به دموکرات‌ها- وارد می‌شود (اینجا انتخابات) خوشحال بود! علت طرح این مبحث در اینجا هم این است که نگران یک «خطای شناختی» به نام «اثر هاله معکوس» (Reverse Halo Effect) بودیم. این خطای شناختی باعث می‌شود، ویژگی بسیار منفی در یک فرد یا گروه، باعث شود ویژگی‌های منفی فرد یا گروه جدید «دیده نشود» یا «کم‌رنگ» شود. ترامپ و جمهوری‌خواهانِ اطراف وی آن‌قدر پلیدند که شاید باعث شود دموکرات‌ها «بهتر» به نظر برسند. لااقل در دشمنی با ایران، تفاوتی بین این دو نیست. یکی به دنبال براندازی با «جنگ و تحریم» است دیگری به دنبال براندازی با «مذاکره و تحریم»...

۳- ممکن است برخی تصور کنند شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره باعث توقف جنگ‌افروزی این کشور می‌شود که این یک اشتباه و ساده‌لوحی محض است. واقعیت این است که بر خلاف آنچه اعلام می‌شود، «توزیع قدرت» در آمریکا طوری نیست که در انتخاباتی مثل انتخابات امروز آمریکا، از قدرت رئیس‌جمهور به شکل معنی‌داری کاسته شود. در همین جنگ دولت ترامپ همواره استدلال کرده است که اقدامات نظامی‌اش به تأیید کنگره نیازی ندارد. پنتاگون نیز می‌گوید از آنجا که آتش‌بس بین آمریکا و ایران همچنان برقرار است، محدودیت ۶۰ روزه «قانون اختیارات جنگ» (War Powers Act) متوقف شده و بنابراین ترامپ می‌تواند بدون مجوز کنگره به عملیات ادامه دهد. ترامپ نیز بارها این قانون را «کاملاً مغایر قانون اساسی» خوانده و اشاره کرده است نیازی به تأیید کنگره ندارد. این شیوه «تفسیر» قوانین در گذشته نیز توسط رؤسای جمهور آمریکا انجام شده است. از دهه ۱۹۷۰، تقریباً تمام رؤسای جمهور این رژیم دوره ۶۰ روزه را به همین شکل تفسیر کرده و دادگاه‌ها نیز معمولاً از دخالت در چنین مواردی خودداری کرده‌اند. چنانچه دموکرات‌ها کنترل کنگره را به دست گیرند، فقط چند ابزار کنترلی به دست می‌آورند. مثلاً کنگره می‌تواند قطعنامه‌ای برای توقف اقدامات نظامی تصویب کند. اما این قطعنامه هم حتی اگر تصویب شود، ترامپ می‌تواند آن را به راحتی وتو کند؛ برای لغو وتو، کنگره باید در هر دو مجلس اکثریت دو سوم را به دست آورد که در شرایط سیاسی فعلی آمریکا تقریباً محال است. مؤثرترین اهرم کنگره «کنترل بودجه» است و کنگره می‌تواند با امتناع از تصویب بودجه نظامی مربوطه، توانایی دولت برای ادامه درگیری را محدود کند اما در عمل، این کار می‌تواند کنگره را متهم به «تضعیف نیروهای آمریکایی» کند و سیاستمداران معمولاً چنین ریسکی را نمی‌پذیرند! فرایند استیضاح نیز طولانی و سخت است و... بنابراین خطر جنگ کمافی‌السابق همچنان باقی است و راه دفع این خطر نیز آمدن دموکرات‌ها نیستند، افزایش توانایی ایران است که با سرعت در جریان است!

۴- طی روزهای گذشته هیئت‌های دیپلماتیک زیادی به ایران آمدند و از ایران نیز به کشورهای دیگر رفتند. گفت‌وگوهای تلفنی متعددی نیز در این بین انجام شده و پیام‌های متعددی رد و بدل گردیده است. از جزئیات این تحرکات دیپلماتیک اطلاع چندانی منتشر نشده است ولی مهم‌ترین مسئله مطرح‌شده در این بین، دو چیز بوده: یک: کوتاه آمدن ایران از مسئله هسته‌ای و دو: جدی بودن خطر آغاز مجدد جنگ. خطر جنگ جدی است و ایران عزیز خود را مهیای آن کرده و حتی یک لحظه این احتمال را «منتفی» ندانسته است. اما تردید هم نباید داشت که ایران در حوزه هسته‌ای چه کوتاه بیاید چه نه، این «احتمال وقوع جنگ» منتفی نخواهد شد و چه بسا کوتاه آمدن ما، احتمال این تجاوز را بیشتر هم خواهد کرد؛ چرا که مسئله دشمن با ایران اصلاً هسته‌ای نیست. ترامپ هیچ دستاوردی از این جنگ نداشته و به هیچ یک از اهدافش نیز نرسیده و در این جنگ تحقیر شده است. او برای توجیه شکست‌ها و هزینه‌های سنگینی که متحمل شده، نیاز به گرفتن امتیاز هسته‌ای دارد. او بارها برای توجیه تورم افسارگسیخته و همه خسارت‌هایی که به آمریکا تحمیل کرده گفته است: «ارزشش را داشت چرا که اگر به ایران حمله نمی‌کردیم، این کشور اتمی شده بود»(!) دادن امتیاز اتمی یعنی تأیید این دروغ بزرگ! لذا به هیچ وجه نباید امتیازی هسته‌ای به این کشور داده شود. ضمن این که این روزها همه زیاد از تغییر دکترین هسته‌ای ایران می‌شنویم و این با دادن امتیاز هسته‌ای منافات زیادی دارد...!

جعفر بلوری

گزارش کیهان از ابعاد پاسخ ایران به حمله احتمالی دشمن

بانک اهداف ایران بدون محدودیت جغرافیایی تا «قلب اروپا»

سرویس سیاسی-

با فرمان رهبر معظم انقلاب مبنی بر عدم محدودیت جغرافیایی و به‌روزرسانی بانک اهداف، دیگر صرفاً پایگاه‌های منطقه‌ای سنتکام هدف نیستند، بلکه تمامی منافع، دارایی‌های مادی و غیرمادی و تاسیسات آمریکا، رژیم صهیونیستی و ناتو تا قلب اروپا در تیررس موشک‌های نقطه‌زن ایران قرار دارند.

ماشین جنگی دشمن آمریکایی- صهیونیستی پس از متحمل شدن ضربات سهمگین و خردکننده در میدان، امروز خود را در باتلاقی عمیق گرفتار می‌بینند؛ باتلاقی که در آن هرگونه دست‌وپا زدن و تقلا، تنها موجب فرو رفتن بیشتر آن‌ها در اعماق ناکامی می‌شود. در چنین شرایطی، متجاوزان مستأصل که هیچ راهی برای گریز از این بن‌بست نمی‌بینند، دست‌به‌دامن واسطه‌ها، ارسال نامه و رایزنی‌های پشت‌پرده شده‌اند تا شاید بتوانند با چانه‌زنی و باج‌خواهی سیاسی، آبروی ازدست‌رفته خود را بخرند و از مهلکه میدان بگریزند.

اما واقعیت این است که جمهوری اسلامی ایران نه تنها لحظه‌ای در مواضع اصولی خود کوتاه نیامده، بلکه شعارها و دکترین‌های دفاعی‌اش در برابر آمریکا و رژیم متجاوز صهیونیستی به مراتب تندتر، صریح‌تر و هجومی‌تر شده است؛ خطوط تولید موشک‌های پیشرفته و پهپادهای انهدامی با شدتی فراتر از گذشته در حال فعالیت است و خبرهایی از بازنگری در دکترین هسته‌ای، خواب را از چشمان کاسبان جنگ ربوده است. در این سوی میدان، نه برای ماشین جنگی فرسوده ایالات متحده رمق و توانی باقی مانده و نه کشورهای خوش‌خیال منطقه و اروپا دیگر حاضرند روی اسب مرده آمریکا قمار کرده و به دیوارهای ترک‌خورده واشنگتن تکیه کنند. انتشار خبر دیدار فرمانده معظم کل قوا با فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای مسلح، رعشه شدیدی بر اندام آمران، عاملان و دست‌اندرکاران جنگ علیه ایران انداخته است؛ دیداری که در آن هم از به‌روزرسانی بانک اهداف و تسلیحات راهبردی کشور سخن به میان آمده است و هم فرمان صریح صادر شد که هیچ‌گونه محدودیت جغرافیایی برای پاسخ وجود ندارد؛ موشک‌هایی که می‌توانند هر نقطه‌ای را که اراده کنند، از پایگاه‌های منطقه‌ای سنتکام تا قلب و غرب اروپا را هدف قرار دهند!

بن‌بست واشنگتن و سرگیجه کاخ سفید در جنگ فرسایشی

به گزارش نشریه آمریکایی «بلومبرگ»، با گذشت هشت ماه از آغاز درگیری نظامی، اصرار واشنگتن بر تحمیل ضرب‌الاجل‌های سیاسی به تهران با شکست مواجه شده است. بررسی‌های نهادهای تخصصی نشان می‌دهد که ساختار تصمیم‌گیری کلان در جمهوری اسلامی، برخلاف تقویم انتخاباتی و هیجانات زودگذر کاخ سفید، بر یک بازی بلندمدت، جنگ فرسایشی فرساینده و دکترین هوشمندانه مهار استوار است.

هدف اصلی این رویکرد، محروم ساختن ایالات متحده از هرگونه ادعای پیروزی، کشاندن بحران به دوران پس از ترامپ و زمین‌گیر کردن و فرسودن دارایی‌ها و تجهیزات چند میلیارد دلاری پنتاگون در منطقه است.

در همین راستا، امیر سرتیپ اکرمی‌نیا، سخنگوی ارتش، با اشاره به فرامین اخیر فرماندهی معظم کل قوا تصریح کرد: «در جنگ اخیر، گستره درگیری از سرزمین‌های اشغالی تا پایگاه‌های آمریکا در کشورهای منطقه امتداد داشت، اما در صورت وقوع تجاوز مجدد، جغرافیای جنگ می‌تواند به مناطقی فراتر از غرب آسیا گسترش پیدا کند.» وی افزود که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به‌روزرسانی بانک اهداف را با هدف قرار دادن انواع دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن آمریکایی-صهیونیستی با قاطعیت دنبال می‌کنند و در صورت آغاز هرگونه ماجراجویی جدید، منافع و تأسیسات تروریست‌های آمریکایی در هر نقطه دسترسی‌پذیری، در آتش پاسخ ایران خواهند سوخت.

معماری نوین بازدارندگی

دستور صریح و راهبردی فرماندهی کل قوا مبنی بر آمادگی کامل برای پاسخی قاطع، سریع و «بدون هیچ‌گونه محدودیت جغرافیایی»، محاسبات اتاق‌های فکر غربی و رژیم صهیونیستی را به کلی در هم ریخته است. در تحلیل این گزاره راهبردی باید توجه داشت که دکترین دفاعی ایران تا پیش از این عمدتاً بر پاسخ متناسب در جغرافیای پیرامونی و محدوده غرب آسیا متمرکز بود؛ اما این دگرگونی کیفی، معادلات بازدارندگی را به سطحی فراملی و جهانی ارتقا داده است. نسل جدید تسلیحات رونمایی‌نشده و پیشرفته ایران، توان مانور نیروهای فرامنطقه‌ای را به شدت محدود کرده است. تحلیلگران مستقل و حتی کارشناسان صهیونیست، مانند «آلون میزراحی»، با اذعان به این قدرت فزاینده تأکید می‌کنند که با توجه به ارتقای موشک‌های هایپرسونیک و بالستیک سنگین ایران با بردهای فراتر از ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ کیلومتر، دیگر هیچ نقطه امنی برای منافع آمریکا و پایگاه‌های ناتو باقی نمانده است.

هر چند توان موشکی ایران بالاتر از این برد است. حتی ترامپ قمارباز هم اخیراً در سخنرانی انتخابی خود در ایالت می‌سی‌سی‌پی صراحتاً به توان موشکی ایران و امکان هدف قرار دادن اروپا اذعان کرد: «ایرانی‌ها اکنون موشکی دارند که اساساً به اروپا می‌رسد. آن‌ها نباید چنین موشکی داشته باشند... ما از خودمان پرسیدیم آن‌ها این را از کجا آورده‌اند؟» بنابراین ارزیابی‌های فنی، با برداشته شدن سقف محدودیت‌های جغرافیایی، نه‌تنها زیرساخت‌های نظامی سنتکام در منطقه، بلکه تأسیسات استراتژیک آمریکا در قبرس، یونان، رومانی، آلبانی، ایتالیا و حتی بریتانیا و پایگاه دوردست دیگو گارسیا در تیررس مستقیم موشک‌های نقطه‌زن ایران قرار می‌گیرند. این تغییر دکترین به دشمن پیام می‌دهد که هزینه هرگونه تجاوز نظامی، دیگر محدود به مرزهای خلیج‌فارس نخواهد بود، بلکه عمق سرزمین‌های حامیان متجاوز را در بر خواهد گرفت.

سرلشکر محسن رضایی نیز با تأکید بر خطوط قرمز نظام اعلام کرد که در صورت تداوم تجاوز، ضربات سهمگین و هولناکی با تسلیحات جدید به متجاوزان وارد خواهد شد تا بدانند دوران بزن‌درو به سر آمده است.

پشت پرده همراهی اروپا با آمریکا

بر اساس گزارش منتشر شده در «میدل ایست آی»، با وجود آنکه برخی رهبران اروپایی در اظهارات علنی خود تلاش کرده‌اند از جنگ فاصله بگیرند و چهره‌هایی مانند کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، تأکید داشته‌اند که این درگیری «جنگ اروپا نیست»، اما ناتو و کشورهای اروپایی در عمل نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در پشتیبانی از عملیات نظامی ایالات متحده علیه ایران ایفا کرده‌اند.

بر اساس افشاگری مارک روته، دبیرکل ناتو، کشورهای اروپایی اجازه داده‌اند بین ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ هواپیمای جنگی آمریکا که در عملیات مرتبط با ایران مشارکت داشته‌اند، از دهها پایگاه نظامی در خاک اروپا به پرواز درآیند؛ امری که نشان‌دهنده ابعاد گسترده همکاری زیرساختی و نظامی اروپا با واشنگتن است.

در میان کشورهای اروپایی، بریتانیا کلیدی‌ترین و پررنگ‌ترین نقش را داشته است. کی‌یر استارمر و سپس اندی برنهام، نخست‌وزیران بریتانیا، مجوز استفاده از تأسیسات نظامی حساس را به آمریکا دادند. این امر به واشنگتن امکان داد بمب‌افکن‌های سنگین خود را از پایگاه مشترک دیگو گارسیا در اقیانوس هند و همچنین پایگاه «فرفورد» در بریتانیا - که تنها پایگاه اروپایی دارای باند مناسب برای بمب‌افکن‌های سنگین است- به پرواز درآورد. علاوه بر این، پایگاه‌های RAF Mildenhall و RAF Lakenheath با ارائه خدمات به جنگنده‌های F۳۵ و هواپیماهای سوخت‌رسان و استفاده از شبکه پایگاه‌های بریتانیا در خاورمیانه برای حملات مستقیم، نقش مستقیمی در این جنگ ایفا کردند. سایر کشورهای اروپایی نیز به شیوه‌های گوناگون در این زنجیره پشتیبانی قرار گرفتند؛ فرانسه با وجود مواضع انتقادی امانوئل مکرون، اجازه فرود هواپیماهای پشتیبانی آمریکا در پایگاه‌های Istres و Avord را داد و جنگنده‌های خود را در امارات مستقر کرد.

آلمان با میزبانی پایگاه عظیم رامشتاین، بزرگ‌ترین پایگاه نیروی هوائی آمریکا در خارج از این کشور، به عنوان مرکز هماهنگی و پشتیبانی عمل کرد. رومانی پایگاه‌های استراتژیک خود در دریای سیاه را در اختیار قرار داد، بلغارستان مجوز استفاده از پایگاه‌هایش را برای خدمات راداری و سوخت‌رسانی صادر کرد و یونان با دادن اجازه پهلوگیری و تعمیرات به ناو هواپیمابر «یواس‌اس جرالد آر. فورد» در پایگاه دریایی Souda، زیرساخت لازم را برای یکی از مهم‌ترین دارایی‌های نظامی آمریکا فراهم ساخت.در نهایت، گرچه کشورهای اروپایی ملاحظات سیاسی متعددی داشتند، اما ظرفیت‌های نظامی و جغرافیایی آن‌ها عملیاتی شدن حملات آمریکا را تسهیل کرد.

هر چندکشورهای اروپایی زیر بار سنگین هزینه‌های اقتصادی کمر خم کرده‌اند. فردریش مرتس، صدراعظم آلمان، پس از سفرهای منطقه‌ای خود به غلط کردن افتاد و اعتراف کرد که افزایش سرسام‌آور قیمت انرژی ناشی از این جنگ، بیش از ۱۰۰ میلیارد یورو هزینه اضافی به اقتصاد اروپا تحمیل کرده است.

آسیب‌پذیری زیرساخت‌های فناوری و فلج شدن اقتصاد غربی

یکی از ابعاد کمتر آشکار اما حیاتی این مناقشه، آسیب‌پذیری زیرساخت‌های کلان اقتصادی و فناوری غرب است. وقوع جنگ در منطقه، علاوه‌بر به خطر انداختن شریان‌های انرژی، تروت ۵۸۱ میلیارد دلاری هوش مصنوعی و سرمایه‌گذاری‌های آمریکا در پروژه‌های فناوری را با بحران روبه‌رو کرده است. ایران پیش‌تر به صراحت ثابت کرده است که در صورت تداوم ناآرامی‌ها، از هدف قرار دادن زیرساخت‌های دیجیتال و مراکز داده وابسته به شرکت‌های بزرگ آمریکایی نظیر آمازون (AWS) در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس چشم‌پوشی نخواهد کرد.

گزارش‌های رسمی حاکی از آن است که حملات پهپادی پیشین به مراکز داده آمازون در بحرین و یکی از نواحی سه گانه ابری امارات، خسارات سازه‌ای سنگین، اختلالات گسترده در شبکه بانکی و آتش‌سوزی‌های وسیعی به بار آورد؛ به‌گونه‌ای که شرکت آمازون در ۱۵ سپتامبر اعلام کرد امکان بازیابی داده‌ها را ندارد و ناچار به اختصاص ۱۵۰ میلیون دلار اعتبار خدماتی به مشتریان آسیب‌دیده شد. این در حالی است که پیش‌تر نیز مؤسسات استراتژیک و پژوهشی رژیم صهیونیستی مانند مؤسسه علوم وایزمن در حملات موشک‌های ایرانی با خاک یکسان شده بودند؛ موضوعی که نشان می‌دهد بازوی بلند ایران تنها به اهداف نظامی محدود نمی‌شود.

بازتعریف هندسه قدرت و پایان عصر متجاوزان

بررسی همه‌جانبه تحولات میدانی و سیاسی نشان می‌دهد که دوران یکه‌تازی صهیونیسم بین‌الملل به پایان رسیده است. فرمان صریح رهبر انقلاب، نقطه‌عطفی در بازتعریف دکترین دفاعی ایران ایجاد کرد که پیام روشن آن به کاخ سفید و کشورهای عضو ناتو این است: «هرگونه دست‌درازی جدید، پاسخی فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی در پی خواهد داشت.» اکنون که دشمنان در باتلاق خودساخته زمین‌گیر شده و اروپا هزینه‌های سنگین همراهی کثیف با جنایات واشنگتن را لمس می‌کند، جمهوری اسلامی ایران با اتکا به نسل جدید تسلیحات پیشرفته، حذف خطوط قرمز جغرافیایی و انسجام کامل ارکان نظام، در اوج اقتدار ایستاده است. اگر متجاوزان راه‌حل دیپلماسی و پذیرش شروط منطقی ایران را برنگزینند، جغرافیای نبرد تا قلب اروپا و عمق پایگاه‌های فرامنطقه‌ای گسترش خواهد یافت و این بار آتش تلافی ایران، تمام محاسبات استکبار را خاکستر خواهد کرد.

نیروی دریایی سپاه:

۱۱ نفتکش متخلف طی ۹ روز در تنگه هرمز سوختند

فرماندهی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نوشت: تنها از ۲۵ اکتبر (تاریخ بازدید نمایشی برد کوپر فرمانده سنتکام از تنگه هرمز) تا روز دوشنبه، تعداد ۱۱ نفتکش متخلف در تنگه هرمز در آتش سوختند.

به گزارش مهر، سردار عظمایی، فرماندهی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی پیامی خاطرنشان کرد: تنها از ۲۵ اکتبر (تاریخ بازدید نمایشی برد کوپر فرمانده سنتکام از تنگه هرمز) تا روز دوشنبه (۹ روز)، تعداد ۱۱ نفتکش متخلف در تنگه هرمز در آتش سوختند و برخی به اعماق دریا پیوستند.

گفت و شنود

بیا پایین!

گفت: خبرها از تحرکات داعش در عراق حکایت دارند!

گفتم: ده‌ها سند غیرقابل انکار به وضوح نشان می‌دهند که داعش یک گروه تروریستی ساخت آمریکاست. ترامپ هم در مناظره انتخاباتی اولین دوره ریاست جمهوری خود خطاب به هیلاری کلینتون تاکید کرد که داعش را آمریکا ساخته است و هیلاری کلینتون هیچ جوابی نداشت!

گفت: خوشبختانه حشدالشعبی با قدرت در مقابل داعش ایستاده است و تحرکات این گروه تروریستی را خنثی کرده است. همان حشدالشعبی که علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق به آمریکا قول خلع سلاح آنها را داده است!

گفتم: مقاومت عراق اعلام کرده که هرگز به آمریکا اجازه نمی‌دهد حالا که از در بیرونش کرده‌اند، از پنجره داعش به عراق برگردد!

گفت: نیروهای مقاومت عراق آقای علی الزیدی را انتخاب کردند که همین کارها را بکند.

گفتم: طرف می‌خواست شیشه پنجره را تمیز کند، به دوستش گفت؛ نردبان را نگه دار نیفتم! کمک کن برم بالا! پارچه را بده دستم! شیشه‌شور را ببار! تکان نخور حواسم پرت نشه!... دوستش گفت؛ کار بلد نیستی! بیا پایین خودم پاک می‌کنم!

پاسخ صمیمانهٔ رهبر معظّم انقلاب به نامهٔ دانش‌آموز ده‌ساله

چندی پیش، علیرضا بخشی ایرج، دانش‌آموز ده‌سالهٔ ساکن تهران، در تاریخ ۲۳ شهریورماه ۱۴۰۵ نامه‌ای صمیمانه به محضر رهبر معظّم انقلاب نوشت. او در این نامه، ضمن ابراز علاقه و قدردانی از رهنمودهای ایشان، هدیه‌ای را نیز به‌عنوان تشکر از ایشان و کمک به رزمندگان اسلام تقدیم کرد.

متن نامهٔ این دانش‌آموز چنین بود:

«به نام خدا، سلام آقا. من علیرضا بخشی هستم. من ده سالمه و داخل تهران زندگی می‌کنم. راستش نمی‌دونم نامه من به دستتون میرسه یا نه. ای‌کاش میشد از نزدیک باهاتون حرف بزنم. راستش ما خیلی به خاطر راهنمایی‌هاتون به شما مدیونیم. این پول هم برای تشکر از شما و کمک به رزمندگان اسلامه.

دوستدار دیدار شما

علیرضا بخشی ایرج ۱۴۰۵/۶/۲۳

پی‌نوشت: تولدتون با تأخیر مبارک».

این نامه به دست رهبر معظّم انقلاب رسید و حضرت آیت‌الله‌العظمی سید مجتبی خامنه‌ای نیز در پاسخ به ابراز محبّت این دانش‌آموز، نامه‌ای برای او نوشته و متقابلاً هدیه‌ای به او اهدا کردند.

متن پاسخ رهبر معظّم انقلاب به این شرح است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

دوست عزیزم آقای علیرضا بخشی

سلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

از توجه محبت‌آمیز شما متشکرم. البته تولد این بنده حقیر در ماه اسفند است. متقابلاً من هم هدیه‌ای هر چند ناقابل در مقابل بزرگواری شما تقدیم می‌کنم. به اعضاء خانواده سلام بنده را ابلاغ کنید.

سید مجتبی خامنه‌ای

۱۹/مهر/۱۴۰۵

پی‌نوشت: خط خوانائی دارید».

عراقچی:

توافقات اقتصادی با ترکمنستان را تثبیت کردیم

عراقچی گفت: روابط ما با ترکمنستان به لطف خدا بسیار خوب، کهن و ریشه‌دار است؛ علایق مشترک تاریخی، فرهنگی، خانوادگی، سیاسی و اخیراً اقتصادیِ گسترده‌ای میان دو ملت برقرار است و همواره اراده سیاسی طرفین بر این مبنا استوار بوده که این روابط حفظ و مستحکم‌تر شود.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز دوشنبه ۱۱ آبان ماه در پایان سفر خود به ترکمنستان، در گفت‌وگو با ایرنا، تقویت مناسبات با همسایگان را اولویت تغییرناپذیر سیاست خارجی کشور دانست.

وی با اشاره به توافقات پیشین سران دو کشور در حاشیه اجلاس سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در شهر آوازه، هدف اصلی این سفر را پیگیری میدانی پروژه‌های کلان دوجانبه در حوزه‌های انرژی، ترانزیت و اقتصاد اعلام کرد و از مذاکرات همه‌جانبه با رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه ترکمنستان پیرامون مسائل مشترک، آخرین تحولات منطقه و آمادگی کامل نیروهای مسلح کشور خبر داد.

عراقچی اظهار داشت: پیرو ملاقاتی که در حاشیه اجلاس سران کشورهای مشترک‌المنافع در شهر آوازه ترکمنستان برگزار شد، قرار بر این بود که پیگیری‌های لازم در حوزه برخی پروژه‌های دوجانبه صورت گیرد و قول و قرارهایی که میان رؤسای جمهور دو کشور گذاشته شده بود دنبال شود. این سفر دقیقاً برای پیگیری همین مسائل و پروژه‌های اساسی بود.

وی گفت: روابط ما با ترکمنستان به لطف خدا بسیار خوب، کهن و ریشه‌دار است؛ علایق مشترک تاریخی، فرهنگی، خانوادگی، سیاسی و اخیراً اقتصادیِ گسترده‌ای میان دو ملت برقرار است و همواره اراده سیاسی طرفین بر این مبنا استوار بوده که این روابط حفظ و مستحکم‌تر شود.

عراقچی افزود: سفر امروز بسیار سازنده بود؛ من توضیحات مفصلی را هم برای جناب رئیس‌جمهور و هم برای وزیر امور خارجه ترکمنستان درخصوص آخرین تحولات منطقه، روند مذاکرات ایران و آمریکا، وضعیت جنگ، آمادگی کامل نیروهای مسلح ما و همچنین تحرکات و سفرهای دیپلماتیکی که به تهران انجام شد، ارائه کردم. پس از آن نیز مروری بر پروژه‌های مشترک داشتیم و تصمیمات اجرائی خوبی اتخاذ شد.

رفت‌وآمد هیئت‌ها مشهود است

وزیر خارجه در رابطه با رفت و آمد هیئت‌های میانجی گفت: با توجه به حساسیت و خطیر بودن شرایط کنونی، مشورت‌ها فوق‌العاده فشرده شده و رایزنی‌ها از نزدیک در جریان است. هم قطر و هم پاکستان به عنوان میانجی‌های این روند نقش بسیار فعالی بر عهده دارند؛ رفت‌وآمد هیئت‌ها مشهود است و در کنار آن ده‌ها گفت‌وگوی تلفنی میان طرف‌ها انجام می‌شود و پیام‌های متعددی ردوبدل می‌گردد.

وی ادامه داد: ما بارها اعلام کرده‌ایم همان‌طور که برای دفاع مقتدرانه از خود آمادگی کامل داریم، برای حضور در عرصه دیپلماسی و دستیابی به یک راه‌حل مذاکراتی عادلانه نیز کاملاً آماده‌ایم. ما شروط مشخص خود را اعلام و طرح مدون‌مان را ارائه کرده‌ایم؛ اکنون همه چیز به طرف آمریکایی بستگی دارد که چقدر عقلانیت سیاسی در آن سو حاکم است و آیا اراده‌ای برای در پیش گرفتن راه خردمندانه دیپلماسی دارند یا مانند دفعات گذشته در پی کشاندن اوضاع به سمت تهاجم و عملیات نظامی هستند.

اگر هوس کنند که بار دیگر ما را بیازمایند نتیجه‌ای تلخ‌تر و سنگین‌تر از گذشته دریافت می‌کنند

عراقچی افزود: ما برای هر دو سناریو آمادگی داریم، حتی بسیار بیشتر از دفعات قبل. اگر هوس کنند که بار دیگر ما را بیازمایند، خودشان می‌دانند که نتیجه‌ای به مراتب تلخ‌تر و سنگین‌تر از گذشته دریافت خواهند کرد. اگر هم با صداقت وارد مسیر دیپلماسی شوند، ما پای کار هستیم. شرایط ما برای بازگشایی تنگه هرمز کاملاً مشخص و شفاف است؛ چنانچه این شرایط پذیرفته شود، تنگه هرمز باز خواهد شد و مذاکرات از سر گرفته می‌شود، و اگر نپذیرند، وضعیت کماکان همین خواهد بود که مشاهده می‌کنید.

از مواضع اصولی خود سر سوزنی کوتاه نخواهیم آمد

وزیر خارجه تاکید کرد: ما از مواضع اصولی خود سر سوزنی کوتاه نخواهیم آمد و در برابر هیچ قدرتی سر خم نمی‌کنیم؛ اما همزمان اهل عقلانیت، گفت‌وگو و منطق هستیم و آمادگی داریم چنانچه در طرف مقابل همچنین رویکردی حاکم باشد، وارد یک تعامل مثبت شویم. در غیر این صورت، اگر اراده فریبکاری یا دست زدن به عملیات نظامی و تهاجم داشته باشند، به همان میزان نیز مهیا هستیم و پاسخ‌های قاطع ما را خواهند دید.

سه بار دیپلماسی را تجربه کردیم و هر سه بار از طرف آمریکا به جنگ منجر شد

وزیر امور خارجه همچنین در گفت‌وگو با شبکه قطری «الجزیره» گفت: بزرگ‌ترین مشکل بین ما و آمریکا، مشکل بی‌اعتمادی است. ما در دو سال گذشته سه بار دیپلماسی را تجربه کردیم و هر سه بار از طرف آمریکا به جنگ منجر شده است؛ یک بار در سال ۲۰۲۵، یک بار در فوریه ۲۰۲۶ و یک بار هم زمانی که یادداشت تفاهم امضا کردیم. امضای آقای ترامپ هم پای آن بود، نه امضای شخص دیگری؛ ولی کمتر از دو هفته طول کشید تا آن‌ها توافق را نقض کنند. متأسفانه تجربه خوبی از مذاکره و دیپلماسی با آمریکایی‌ها نداریم. در سال ۲۰۱۵ هم با آن‌ها توافق کردیم؛ توافق برجام را امضا کردیم، اما آن‌ها توافق را نقض کردند و از آن خارج شدند.

وی افزود: بنابراین طبیعی است که اکنون با احتیاط بسیار زیادی با موضوع مذاکره و دیپلماسی برخورد کنیم. آمریکا اگر خواهان یک توافق است، باید اقدام به اعتمادسازی کند. اتفاقاً در مذاکراتی که اکنون در حال انجام است، پیشنهادهایی برای اعتمادسازی نیز وجود دارد که در حال بررسی آن‌ها هستیم.

عراقچی ادامه داد: ایران عضو ان‌پی‌تی است و همواره به تعهدات خود در چارچوب ان‌پی‌تی پایبند بوده است. اما یک واقعیت نیز وجود دارد و آن اینکه تأسیسات هسته‌ای ما که تحت نظارت آژانس بودند و در چارچوب پادمان‌های آژانس قرار داشتند، مورد حمله نظامی واقع شدند. این موضوعی کاملاً جدید در بحث هسته‌ای و تأسیسات هسته‌ای در جهان است. سابقه ندارد که چندین تأسیسات هسته‌ای مورد حمله نظامی قرار بگیرند. این یک خط قرمز بزرگ بود که از سوی آمریکایی‌ها و رژیم صهیونیستی رد شد. طبیعی است که این موضوع باعث شده روابط ما با آژانس دچار اختلال شود. پرسش‌ها و ابهامات زیادی بین ما و آژانس وجود دارد؛ یا بهتر است بگویم ما درباره آژانس پرسش‌ها و ابهامات زیادی داریم.

وزیر امور خارجه تصریح کرد: من منکر فشارهای اقتصادی نیستم، ولی ما به خاطر فشارهای اقتصادی تسلیم نمی‌شویم و دست‌هایمان را بالا نمی‌بریم. ما به خاطر فشارهای ا